

بدهد. مادری می‌گفت: "داشتن فرزند دوقلو یعنی در آن واحد دوجور مهر ورزیدن و دونفر را به افراد خانواده افزودن. بنابراین به زحمتش می‌ارزد! اما مسافانه به تربیت دوقلوها توجه کمتری می‌شود. در حالی که تربیت دوقلوها با کودکان دیگر فرق می‌کند. برای درک این تفاوت لازم است که با دنیای کوچک دوقلوها آشنا شویم.

تجربه نشان می‌دهد که پدر و مادری که بچه‌های دوقلو پیدا می‌کنند، بیش از هر چیز زحمتشان بیشتر می‌شود. دوقلوها، اگر اولین بچه‌های خانواده باشند، مادر را به وحشت می‌اندازند. ولی همینکه اولین هفته‌ها سپری شد، مادر کم‌کم عادت می‌کند و به هیچ‌قیمتی حاضر نیست که موقعیت خود را از دست



دنیای کوچک دوقلوها
دنیای کوچک دوقلوها

این اشکال در تشخیص در جاهای دیگر نیز به چشم می‌خورد. دو کودک دوقلو را جلو آئینه نگاه کنید: در حالی که یک کودک معمولی در سه سالگی تصویر خود را باز می‌شناسد، دو - قلوهای حقیقی در پنج سالگی هنوز تصور می‌کنند که برادر یا خواهرشان را در آئینه می‌بینند، و در عکسی که هر دوی آنها هستند بسیار پیش می‌آید که خود را نشناسند.

شاید این مطالب به نظر شما عجیب و در عین حال بی‌اهمیت جلوه کند، ولی از نظر روانشناسی برای آینده کودک حائز اهمیت فراوان است. تقریباً همه دوقلوها زبانی مرموز و مخصوص به خود دارند که اطرافیان آنها از فهمیدنش عاجزند و احياناً "بعضی از اصطلاحات این زبان را تا سنین بلوغ حفظ می‌کنند. دوقلوها، وقتی که یکدیگر را درک می‌کنند، مکمل هم می‌شوند. بنابراین مثل بچه‌های معمولی سعی ندارند که اطرافیان خود را درک کنند یا منظور خود را به آنها بفهمانند. در حالی که بر اثر همین کوشش است که کودک حرف زدن یاد می‌گیرد و پیشرفت می‌کند. در نتیجه دوقلوها دیرتر به حرف می‌آیند، و در صورتی که پدر و مادر به این عقب افتادگی توجهی نکنند، ممکن است با مشکلاتی روبرو شوند.

دوقلوها، در اجتماع کوچکی که تشکیل می‌دهند، وضع خود را سامان می‌دهند. خیلی زود وظایف را بین خود تقسیم می‌کنند و هنرهائی را که دارند به ترتیب آشکار می‌سازند: یکی قویتر است دیگری مهارتش بیشتر، یکی ارتباط با خارج را تاءمین می‌کند، به قول یک روانشناس آلمانی این "وزیر امور خارجه" است و دیگری "وزیر صنایع" که ابتدا اسباب

در این دنیای کوچک، یک مسئله حائز اهمیت فراوان است: دوقلو هرگز تنها نیست. موقع غذا خوردن، موقع حمام رفتن، موقع گردش کردن، موقع ادای اولین کلمات و موقعی که اولین اسباب بازیهایش را می‌شناسد، هرگز تنها نیست. در همه این فعالیتها، در همه این تجربه‌ها و در همه این کشفیات، موجود دیگری حضور دارد که شاهد و همدست اوست. و این همان مسئله مهمی است که در تمامی وجود و رشد دوقلوها تاثیر می‌گذارد و این تاثیر بسیار طبیعی است. خودتان را در نظر بگیرید که در تمام مدت روز موقعی که سرگرم کار هستید، یک نفر، که فکری چون فکر شما در سردارد و همه چیز همزمان با شما برایش پیش می‌آید، متوجه شما باشد و به شما نگاه کند! فکر نمی‌کنید که این موضوع شمارا تحت تاثیر قرار دهد؟

پس دنیایی که دوقلوها در طی اولین سالهای زندگیشان کشف می‌کنند و می‌سازند یک دنیای دوقلوه است. آنها آن قدر خود را با هم احساس می‌کنند که، وقتی که یکی‌شان را صدا می‌زنیم، هر دو شان حاضر می‌شوند. گاهی، مخصوصاً اگر تشابه اسمی با هم داشته باشند مثل اسعد، اصغر، اگر یکی از آنها را صدا بزنند، دیگری جواب می‌دهد. هر یک از آنها چنان وجود خود را با دیگری ممزوج می‌داند که موقع صحبت از خودش می‌گوید: "ما".

"من" برای غیر دوقلوها از سن سه سالگی مطرح است، و برای دوقلوها بعد از سن پنج سال. به همین دلیل دوقلوها در به کار بردن ضمائر، به خصوص ضمائر ملکی، غالباً "شیوه خاصی دارند. به طور خلاصه دوقلوها برای مدت زیادی "ما" هستند نه "من" جداگانه.

بازیها را توزیع می‌کنند و بعد به وضع قفسک می‌پردازند. در مورد دوقلوهای ناهمجنس، همیشه دختر نقش فرمانده را بر عهده دارد.

چون دوقلوها، در هر لحظه که مایل باشند شریک بازی و همصحبتی دارند که زبان او را خوب می‌فهمد، خیلی کمتر از کودکان دیگر به تماس با دنیای خارج نیازمندند. به همین سبب دوقلوها اجتماعی و زود آشنا نیستند. از سایر افراد خانواده، حتی از پدر و مادر دوری می‌گزینند. کمرو می‌شوند و نسبت به هم علاقه بیشتری پیدا می‌کنند.

این طور با هم زندگی کردن و در همه زمینه‌ها به هم نزدیک بودن معمولاً مورد رضایت دو-قلوهاست و آنها تا سن بلوغ شکایتی از این وضع ندارند. تنها در آن هنگام است که برای جدا شدن و آزاد بودن اقدام می‌کنند، و این خود نشانه خوبی است. چه در غیر این صورت معلوم می‌شود که این زندگی اشتراکی هر دوی آنها را به خفقان دچار کرده است. دیگری نمی‌خواهند یک جور لباس بپوشند و از اینکه با هم اشتباه بشوند گله دارند (مخصوصاً دخترها). یکی از این دوقلوها می‌گفت: "من می‌خواهم تنها باشم، نه همیشه دونفر." وقتی که پدر و مادر این جدائی را نادرک نمی‌بینند، جدایی دشوار و گاهی غیرممکن می‌شود. بعضی از دوقلوها، به‌خصوص دخترها هرگز نمی‌توانند از هم جدا بشوند. از این گذشته در برابر ۱۰۰ مرد ازدواج نکرده معمولی ۱۵۷ ازدواج نکرده دوقلو و در برابر ۱۰۰ زن ازدواج نکرده معمولی ۱۷۹ زن ازدواج نکرده دوقلومی توان یافت.

در هر حال جدا شدن آنها از این زندگی مشترک و از یکدیگر و کسب شخصیتی جداگانه پیوستن به دیگران و بعدها به استقلال زندگی کردن، برای آنها دشوار است (به‌خصوص برای دوقلوهای یکسان). پدر و مادر باید مقدمات این جدایی را فراهم آورند و به هریک در به دست آوردن شخصیت جداگانه‌اش کمک کنند. اما آنها در واقع نه فقط به این کار کمکی نمی‌کنند بلکه با انتخاب اسامی مشابه و امثال آن از همان آغاز کار این پیوستگی را مستحکم می‌کنند. بعضی از پدر و مادرها دوقلوهای خود را به اسم صدا نمی‌کنند و به صورت جمع می‌گویند: "دو-قلوها" از این گذشته آنها را یکجور لباس می‌پوشانند. البته برای یک مادر جالب است که دو تا بچه فشنگ مثل هم داشته باشد. ولی این کار در بچه‌ها تأثیری پایدار می‌گذارد. دوقلوها چه حقیقی باشند چه غیرحقیقی، اگر از یک جنس باشند، تا حدود سی‌ده سالگی معمولاً ۳/۹۳ درصد موارد لباسشان شبیه به هم است. دوقلوهای ناهمجنس در این مورد از امتیاز بیشتری برخوردارند: از هفت سالگی به بعد، ۷۰ درصد موارد لباسها متفاوت هستند. همین طور پدران و مادران برای اینکه این شباهت را بیشتر کنند، موی دوقلوهای خود را یکجور آرایش می‌کنند. آنها را در یک گهواره می‌خوابانند. تقریباً همیشه اسباب بازی دوقلوها و سرگرمی و تفریحشان یکی است، همه چیز آماده و برای دونفر.

به طور خلاصه، به عوض جدا ساختن دوقلوها از یکدیگر، سعی بر این است که شرایط این نوع زیستن اشتراکی تقویت و تشدید شود. حال آنکه به تجربه ثابت شده است که اگر دوقلوهای حقیقی (آنهايي که كاملاً "از یک نوع صفات ارثی

شود که دلناتان می‌خواهد دوتا بچه تمیز و کاملاً مشابه رابه دیگران نشان بدهید. ولی باید به خاطر داشته باشید که بجهت اسباب بازی نیست.

برای آنها دوجور رختخواب و چمدان تهیه کنید اگر دوقلوهای شما یکسان باشند، این کار در اوایل امر در باز شناختن آنها به شما کمک می‌کند.

برای دخترهای دوقلو دوجور آرایش مودرست کنید.

هرچه زودتر آنها را در رختخوابهای جداگانه بخوابانید و، اگر می‌توانید، درد و اناق جداگانه در غیر این صورت گریه یکی از آنها طبعاً "موجبات" گریه دیگری را فراهم خواهد کرد.

از خردسالی برایشان اسباب بازیهای متفاوت تهیه کنید و به هر یک گنجه مخصوصی برای نگهداری اسباب بازیهایش بدهید.

هر بار برایشان مقدور باشد موجبات جدائی و "تنها بودن" را برای آنها فراهم آورید و اگر چند روزی به مسافرت می‌روید، مراقبت آنها را (در صورت امکان) به دو شخص متفاوت واگذار کنید.

برخوردار هستند) بر حسب شرایط اتفاقی از هم جدا شوند، می‌توانند به اندازه خواهر و برادری که چندسال باهم تفاوت سنی دارند باهم تفاوت پیدا کنند.

در عوض اگر به دوقلوهای غیر حقیقی زندگی کاملاً مشابهی عرضه کنیم، این زندگی "دو فره" که شرح آن گذشت، موجب می‌شود که دوقلوهای نامبرده دارای علاقه، عقیده و خصوصیات اخلاقی یکسان شوند و حال آنکه از نظر صفات ارثی وضع آنها متفاوت است.

معنی این چیست؟ معنی این است که محیط و وضع زندگی به اندازه وراثت تأثیر دارد. این مسئله مهمی است که، اگر شما فرزندان دوقلویی دارید، باید آن را در نظر بگیرید. دوقلوهای شما با بعضی شباهتها و بعضی تمایلات به دنیا می‌آیند، ولی باروشی که شما در تربیت آنها پیش می‌گیرید، یا آنها رابه هم نزدیکتر می‌کنید و مانع رشد شخصیت انفرادی ایشان می‌شوید یا از آنها دو موجود کاملاً متمایز می‌سازید که هر یک شخصیتی مخصوص به خود دارد.

پس ملاحظه می‌کنید که نقش شما در تربیت دوقلوهایتان، اعم از اینکه "حقیقی" باشند یا "غیر حقیقی" نقش بسیار موثری است. پس چه روشی باید اتخاذ کرد؟ آنچه مسلم است این است که نباید آنها را از هم جدا کرد. ولی:

برای آنها اسمهای کاملاً متفاوت و مجزائی انتخاب کنید و سعی کنید که هر یک از آنها را با اسم خودش صدا کنید و حتی المقدور در صحبت کردن از لفظ "دوقلوها" اجتناب ورزید.

از پوشاندن لباسهای یکجور به آنها خودداری کنید، ولو اینکه این کار به قیمت ازدست دادن غرور مادرانه شما - البته اگر مادر باشید - تمام



توجه دارد و مادر به دیگری ، یا پدر به پسر می‌پردازد و مادر به دختر یا برعکس . در حالی که هر کدام از دوقلوها باید هم از توجه پدر سهم داشته باشد و هم از توجه مادر .

به هر یک از آنها فرصت ملاقاتها و تجربه‌هایی را بدهید که دیگری در آن شرکت نداشته باشد مثلاً " در تعطیل تابستان ، یکی را پیش خواهرتان بگذارید و دیگری را پیش مادران .

سعی نکنید که به هر یک از دوقلوها در یک موقع یک جور لبخند بزنید ، در یک موقع به آنها یک نوع بیسکویت بدهید و یا آنها را به طور یکنواخت تنبیه کنید . این از جمله کارهایی است که شباهت آنها را تشدید می‌کند . برعکس باید آنها را از خردسالی به چیزهای متفاوت عادت دهید . و خاصه آنکه دوقلوها طبیعتاً " مفهوم تقسیم را درک می‌کنند ، زیرا از همان آغاز کودکی چیزهایشان را بین خود تقسیم می‌کنند .

سعی کنید که با هر یک از آنها برخوردهای تنها و جداگانه‌ای داشته باشید تا هر یک از آنها تماس مستقیم با خارج پیدا کند و بتواند منظور خود را ، آن‌طور که دلخواه و در خور اوست ، نمایان سازد .

اگر از آنها دعوتی شد ، وقتی که یکیشان به میهمانی رفت ، از فرصت استفاده کنید و دیگری را به گردش ببرید .

بسیار اتفاق می‌افتد که پدر به یکی از دوقلوها

